

## غزل شماره ۴۱۹

وصال اوز عمر جاودان به

خداوندا مرا آن ده که آن به

به شمشیرم زدو با کس نکشتم

که راز دوست از دشمن نمان به

به دلغ بندی مردن بر این در

به جان او که از ملک جهان به

خدا را از طیب من پرسید

که آخر کی شود این ناتوان به

کلی کان پامال سروماگشت

بود خاش ز خون ارغوان به

به خلد م دعوت ای زاهد مفرما

که این سیب ز نخ زان بوستان به

دلادایم کدای کوی او باش

به حکم آن که دولت جاودان به

جوانا سرمتاب از پند پیران

که رای پیر از بخت جوان به

شبی می گفت چشم کس ندیده ست

ز مروارید گوشم در جهان به

اگر چه زنده رود آب حیات است

ولی شیراز ما از اصفهان به

سخن اندر دهان دوست شکر

و لیکن گفته حافظ از آن به

## تفسیر فال

رضایت شما همواره باید در راستای رضای خداوند متعال باشد. چرا که با زور شمشیر و قدرت ظاهری هیچ‌گاه به جایی نخواهید رسید و موفقیت واقعی تنها در سایه توکل به خداست. برای درمان دل بیمار خود، از خداوند شفا بخواهید و ایمان داشته باشید که تنها اوست که می‌تواند دردها را تسکین دهد. مرادتان را فقط از درگاه الهی طلب کنید، زیرا دوی تمام آلام و مشکلات شما نزد او نهفته است. عمرتان به درازا خواهد انجامید؛ بنابراین لازم است کمی صبر و تحمل نشان دهید. ناامیدی را از خود دور کنید، چرا که دعاها و درخواست‌های شما هرگز پایمال نخواهد شد و برکات آن به زندگی‌تان جاری خواهد شد.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)